فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۲۳-۱۹۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۸

اندیشهٔ توسعه‌گرا (موردکاوی اندیشه‌های ماهاتیر محمد)

رضا شیرزادی[1]
استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

کشور مالزی به عنوان یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای مسلمان واقع در شرق آسیا، در کمتر از چهار دهه از کشوری فقیر و کم درآمد به کشوری توسعه‌یافته با درآمد چشمگیر تبدیل شده و فرآیند صنعتی‌شدن و فعال شدن به عنوان یک اقتصاد مولد را طی کرده و در حال تعمیق آن است. این کشور با توجه به تحولات جهانی، در حال حاضر در بسیاری از زمینه‌های تولید و خلاقیت فعال است. بی‌تردید دوره نخست‌وزیری مهاتیر محمد (۲۰۰۳-۱۹۸۱م) یکی از دوره‌های اصلی خیزش توسعه‌ای این کشور محسوب می‌شود. او نخبه و اندیشمندی توسعه‌گراست. ویژگی نخبگان توسعه‌گرا، عزم راسخ برای پیشبرد توسعه، پایبندی به رشد و تحول اقتصادی و توانایی آنان برای پیشبرد اهداف خویش است. بررسی دیدگاه‌های ماهاتیر محمد بیانگر زوایای اندیشه‌ای یکی از رهبران توسعه‌گرا در جهان اسلام است. مقالهٔ حاضر درصدد بررسی عمده-ترین دیدگاه‌های مهاتیر محمد به عنوان یک اندیشمند توسعه‌گراست. اینکه رگه‌های اصلی توسعه‌گرایی را در اندیشه او استخراج و برجسته کند.

واژه‌های کلیدی: مهاتیر محمد، مالزی، توسعه‌گرایی، نخبگان توسعه‌گرا، اندیشه‌توسعه‌گرا.

1. shirzadi2020@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

مقدمه

کشور مالزی تا نیمه قرن بیستم تحت استعمار انگلستان و ژاپن قرار داشت. در دورهٔ بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹٦۵م)، با جدا شدن جزیره سنگاپور، شکل گرفت (شاهنده، ۱۳۷٤: ۵۹). از نظر سیاسی، کشوری پادشاهی با حکومتی پارلمانتاریستی و دارای دین رسمی اسلام است. نسبت ادیان در مالزی بدین قرار است: مسلمانان ۵۳ درصد، بودیسم ۱۷/۳ درصد، کنفوسیوئیسم و تائوئیسم ۱۱/٦ درصد، مسیحیان ۸ درصد، هندوئیسم ۷ درصد (مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۳۰-۱۷۵). دارای منابع طبیعی نفت و گاز، کائوچو، روغن نخل، قلع، کاکائو و الوار و از نظر صنعتی نیز دارای تولیدات لوازم الکترونیکی، خودرو، کائوچوی طبیعی و روغن نخل است (همان: ۹۷).

مالزی روند توسعه خود را دیرتر از برخی کشورهای شرق آسیا (ژاپن، کره جنوبی، تایوان، سنگاپور) آغاز کرد، اما به سرعت در مسیر رشد و توسعه قرار گرفت. دلایل اصلی این موفقیت در مواردی همچون اصلاح ساختار مدیریت سیاسی- اقتصادی، راهبرد توسعه صادرات، خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، الگوگیری از کشورهای موفق منطقه و تعامل فعال با کشورهای جهان و قدرت‌های برتر اقتصادی، است. مهم‌ترین عامل تسریع روند توسعه در مالزی، مدیریت و تصمیم‌گیری‌های راهبردی دولت توسعه‌گرا بوده که نقشی قاطع در هدایت و نظارت بر روند توسعه این کشور داشته است (نیزبیت، ۱۳۸۵: ۲۱٦).

دوره بنیادین تحول توسعه‌ای مالزی در سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۱ میلادی، یعنی دوره زمامداری و راهبری ماهاتیر محمد بوده است. این کشور طی دهه ۱۹۸۰ رشد اقتصادی بالای ۸ درصد را ثبت کرد. در حال حاضر، اولین کشور پیشرفتهٔ اسلامی و هفدهمین کشور پیشرفتهٔ جهان به شمار می‌رود. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مؤلفه‌های اصلی اندیشه ماهاتیر محمد چه هستند که موجب توسعه در مالزی شدند و میراث فکری او برای این کشور و احیاناً دیگر کشورهای مسلمان چیست؟

۱. مالزی در عصر ماهاتیر محمد

ماهاتیر محمد را یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین رهبران جهان اسلام می‌دانند (Mohd Rosdi, 2016: 566). در کشوری کوچک و کم جمعیت و به طور عمده کشاورز یا صیاد ماهی،

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

که به طور غالب در روستاها و جنگل‌ها زندگی می‌کردند و درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰ دلار داشتند، همراه با مناقشات مذهبی و نژادی، حضور ماهاتیر محمد موجب دگرگونی این کشور شد، به گونه‌ای که مالزی چهره دیگری به خود گرفت (کیوان، ۱۳۹۰: ۳٤). براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۵، مالزی برخوردار از توسعه انسانی بالا و در زمینهٔ شاخص‌های توسعه انسانی حائز رتبه ٦۲ در بین ۱۸۸ کشور جهان، امید به زندگی ۷٤/۷ سال، درآمد سرانه ناخالص ملی سرانه ۲۲۷٦۲ دلار در سال، کل جمعیت ۳۰/۲ میلیون نفر و رشد جمعیت ۱/٦ درصد است (HDR, 2015: 208-235).

عمده‌ترین سیاست‌های ماهاتیر گسترش آموزش همگانی و توسعهٔ تحقیقات علمی بود. تأسیس بزرگ‌ترین دانشگاه اسلامی دنیا موجب جذب نخبگان علمی داخلی و خارجی از تمام نقاط دنیا به ویژه کشورهای اسلامی شد. او همچنین سعی کرد درآمد حاصل از صنعت گردشگری را به بیست برابر افزایش دهد و در آسیا موفق‌ترین کشور در زمینهٔ جذب گردشگر شود و قصد دارد در سال ۲۰۲۰م، با جذب ۳۵ میلیون گردشگر، سهم گردشگری را در تولید ناخالص ملی به ۳ برابر افزایش دهد. کوالالامپور در حال حاضر ششمین شهر گردشگری جهان است (http://www.tinn.ir).

در سیاست‌های ماهاتیر محمد، ضمن انتقاد از روش‌های غربی توسعه برای جهان سوم، راه‌حل آسیایی برای کشورهای در حال توسعه توصیه می‌شود. او اسلام‌گرایی را با نوگرایی توأم ساخت. سرانجام، ماهاتیر با سه دهه تلاش، نه تنها مالزی و آینده آن را دگرگون ساخت، بلکه درستی بینش و اندیشه‌های خود را به اثبات رساند. کناره‌گیری داوطلبانه او از قدرت در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)، ساده‌ترین، مهم‌ترین، درس‌آموزترین و آخرین اقدام او برای رهبران و سیاستمداران کشورهای جهان سوم و ممالک اسلامی بود. وی همچنین با عنوان‌های مختلفی همچون «ناجی قوم مالایا» و «معمار مالزی مدرن» شناخته می‌شود (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

به هر ترتیب، ماهاتیر محمد نخبه و اندیشمندی توسعه‌گراست. ویژگی نخبگان توسعه‌گرا، عزم راسخ برای پیشبرد توسعه، پایبندی به رشد و تحول اقتصادی و توانایی آنان برای پیشبرد اهداف خویش است (لفت‌ویچ، ۱۳۷۸: ٤۰۸-۳۹٦). مبانی نظری تحقیق حاضر، نظریه دولت و نخبگان توسعه‌گراست. بررسی دیدگاه‌های ماهاتیر محمد بیانگر زوایای اندیشه‌ای یکی از رهبران توسعه‌گرا در جهان اسلام است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

۲. زندگینامه ماهاتیر محمد

الف) دوره کودکی و نوجوانی

ماهاتیربن‌محمد در سال ۱۹۲۵م. در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد. پدرش معلم و هندی‌تبار و مادرش مالایی بود. او در مدرسه، امور مربوط به کتابخانه را انجام می‌داد و کتاب‌های زیادی را نیز مطالعه می‌کرد که شالوده بینش عمومی و فرهنگی وی را تشکیل داد. ماهاتیر در زبان انگلیسی مهارت داشت و بارها جایزه دریافت نمود. علاقه‌مندی او به نوشتن در همین دوره بروز یافت و در نشریه مدرسه به عنوان نویسنده و سردبیر فعالیت داشت (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۳-۲).

ماهاتیر در سال ۱۹٤۷ در دانشکده پزشکی به ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۵۲ فارغ‌التحصیل شد. پس از فارغ-التحصیلی، ابتدا دستیار پزشک و سپس به عنوان مسئول امور درمانی در زادگاه خود، به خدمت دولت درآمد. در سال ۱۹۵۷ از آن مسئولیت کناره گرفت تا مطب خصوصی در منزل خود دایر کند. با دختری مسلمان به نام سیتی حصمه که او نیز پزشک بود، ازدواج کرد. آنها دارای دو دختر و سه پسر شدند و دو کودک را نیز به فرزندی پذیرفتند (توکلی، ۱۳۸٤: ٤۱-٤۰).

ب) زندگی سیاسی

ماهاتیر از ۱۹ سالگی وارد فعالیت‌های سیاسی و در ۲۰ سالگی(۱۹٤٦م) وارد حزب آمنو شد. در ۱۹٦۳م، نماینده مالزی در سازمان ملل متحد شد. در سال ۱۹٦٤م به نمایندگی پارلمان انتخاب شد. یک سال بعد به عضویت کادر مرکزی حزب آمنو درآمد (Leonard, 2006: 978).

در اواخر دهۀ ۱۹٦۰ کتابی را با عنوان معضل مالایی منتشر کرد که ضمن انتقاد از ستم استعمارگران، به انتقاد از بی-توجهی مالایی‌ها به سرنوشت خویش پرداخت. کتاب او توقیف شد، هرچند که بر احساسات ملی‌گرایی و قوم‌گرایی جوانان حزب آمنو تأثیر گذاشت. ماهاتیر هم‌سو با تندروها به تُنکو عبدالرحمن، نخست‌وزیر وقت، تاخت که مردم بومی را مورد غفلت قرار داده است. به همین علت از حزب اخراج شد، اما شهرت بیشتری کسب کرد. تُنکو عبدالرحمن به دنبال پیامدهای آشوب قومی سال ۱۹٦۹م، از سمت خود استعفا داد (مسائلی، ۱۳۷۵: ۲۱۲).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

ماهاتیر در ۱۹٦۸م به عنوان اولین رئیس شورای آموزش عالی منصوب شد. چهار سال بعد عضو شورای مشورتی آموزش عالی و عضو شورای دانشگاه مالایا و در سال ۱۹۷٤ رئیس شورای دانشگاه ملی مالزی شد. در ۱۹۷۳ به عنوان سناتور منصوب شد. سپس ریاست سازمان توسعه، کشاورزی و صنعتی بومیان را بر عهده گرفت. در ۱۹۷٤ سمت سناتوری را برای شرکت در مبارزه انتخاباتی رها کرد و پیروزی بزرگی در انتخابات به دست آورد. تون عبدالرزاق دومین نخست‌وزیر مالزی از ماهاتیر دعوت کرد که بار دیگر به حزب بپیوندد. او در کابینه تون عبدالرزاق، سمت وزیر آموزش و پرورش را به عهده گرفت. در سال ۱۹۷٦ علاوه بر وزارت آموزش و پرورش، معاون نخست‌وزیر شد. در ۱۹۷۸ علاوه بر معاونت، به وزارت تجارت و صنعت منصوب گردید. در انتخابات درون حزبی ۱۹۷۵ به سمت یکی از سه معاون حزب آمنو انتخاب گردید. سه سال بعد قائم مقام حزب شد و در سال ۱۹۸۱ به ریاست حزب رسید (Leonard, 2006: 978).

ج) فن‌سالار اقتدارگرا

ماهاتیر با وجود برگزاری انتخابات، طریقه‌اش با معیارهای دموکراسی تطبیق نمی‌کرد و رسانه‌های گروهی در این کشور آزاد و مستقل نبودند. در عین حال، دیکتاتور هم نبود. هیچگاه از ارتش و شیوه‌های پلیسی جهت تحکیم قدرت خود استفاده نکرد و همواره از حمایت گسترده مردم برخوردار بود. مالزی را از یک کشور عمدتاً کشاورزی به کشوری توسعه-یافته و به یکی از باثبات‌ترین کشورهای آسیا تبدیل کرد. هیچ کودتا و درگیری خونینی در این کشور چند قومی اتفاق نیفتاد. موقعی که داوطلبانه از نخست‌وزیری کنار رفت، دیگر کسی نمی‌توانست او را دیکتاتور بنامد (Yusof, 2008: 43).

د) نوگرای ضد غرب

ماهاتیر محمد از یک‌سو سیاستمدار نوگرای مالایی و یک غرب‌گرا و از سوی دیگر، معترضی ضدغرب بود. او ضمن بهره‌بردن از سرمایه‌داری، ارزش‌های آسیایی را مورد توجه قرار داد و در سیاست نگاه به شرق، ابتدا ژاپن و سپس کره‌ای‌ها را پرچمدار آسیای نو می‌دانست. او می‌خواست فناوری و پیشرفت‌های علمی غرب را به کشورش بیاورد، بدون

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

آنکه ارزش‌های آسیایی از بین برود. در عین حال، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، در جنگ علیه تروریسم متحد آمریکا بود. (Leonard, 2006: 979)

هـ) مدیر پویا

ماهاتیر دارای یک پویایی مدیریتی بود. وی معتقد بود که برای رسیدن به رشدی بلندمدت و پایدار، نباید متکی به کاهش مالیات‌ها و مشوق‌ها بود، بلکه باید برای غلبه بر نقاط ضعف اقتصاد داخلی، به تغییرات استراتژیک دست زد. مردم باید با تغییر در نگرش خود، آنچه را که به نفع خود و اقتصاد کشور است، انجام دهند. دائماً باید به حوزه‌های خاص اقتصادی که می‌توانند رشد بیشتری به بار آورند، روی آوریم و مسیرمان را تغییر دهیم (توکلی، ۱۳۸٤: ۵۲).

و) مدیر خطرپذیر

ماهاتیر، به‌رغم وجود مخالفت‌ها و مشکلات، با اقتدار به انجام سیاست‌های خود پرداخت. مثلاً زمانی با تعصب، خواهان اعتلای زبان مالایی و استفاده از آن به عنوان زبان ملی به جای زبان انگلیسی بود. سه دهه بعد، مجبور شد بار دیگر به زبان انگلیسی بها دهد و آن را به عنوان زبان آموزشی برای آموزش علوم و ریاضیات معرفی کند (همان: ۵۲).

۳. دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها

در این قسمت به بررسی عمده‌ترین دیدگاه‌های ماهاتیر محمد درباب موضوعات مرتبط با توسعه و جامعه مالزی در خلال آثار و سخنرانی‌های او می‌پردازیم.

الف) صلح و توسعه در تعالیم مسلمانان

ماهاتیر محمد معتقد است مسلمانان از نظر اعتقادی به صلح و آرامش پایبندند و زندگی اجتماعی را در احترام به یکدیگر امکان‌پذیر می‌دانند و نه در جنگ و ستیز. این مسئله، شرط و زمینه لازم برای توسعه آنهاست: «کلمه «صلح» با زندگی مسلمانان جهان عجین شده است. در قرآن کریم ۵۳ بار به این کلمه اشاره شده و هر روز مسلمانان با سلام کردن به یکدیگر، تمایل به صلح و مسالمت را تأکید می‌کنند. صلح یک راه صحیح و مقدمه‌ای برای دستیابی به توسعه

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

است و بهانه‌تراشی برای جنگ مورد تأیید اسلام نیست. امروز دستیابی به صلح و توسعه یک چالش دوجانبه برای امت اسلام است. سازمان کنفرانس اسلامی باید به ایجاد یک فرهنگ جدید در میان مسلمانان برای دستیابی به صلح و توسعه کمک کند» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۳۲).

بر این اساس، نه تنها اسلام و مسلمین تمایل به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز دارند، بلکه توسعه در سایه صلح برای مسلمانان امکان‌پذیر است و باید دستور کار و هدف بزرگ‌ترین تشکل‌های اسلامی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی قرار گیرد.

ب) ضرورت قدرتمند شدن کشورهای اسلامی و الزامات آن

ماهاتیر دنیای کنونی را دنیای کشورهای قدرتمند می‌داند. هر چه کشورها قدرتمندتر باشند، اثرگذارترند. همه کشورهای اسلامی باید برای قدرتمند شدن نه تنها در جنبه‌های مادی، که در ابعاد دفاعی تلاش کنند. او می‌نویسد: «جهان امروز، قدرت را حق می‌داند، پس کشورهای اسلامی از جمله مالزی باید قدرتمند شوند. برای دستیابی به قدرت مهم‌ترین اصل تشکیل دولتی عادل است. باید برای تقویت بنیه دفاعی خود تلاش کنیم تا به سطح کشورهای توسعه‌یافته برسیم. خداوند در آیه ٦۰ سوره انفال می‌فرماید: تا آنجا که می‌توانید خود را قدرتمند سازید تا دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید و آنچه در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۲۱۳).

بنابراین، بر طبق دستور صریح قرآن، هیچ راهی جز قدرتمند شدن مالزی و دیگر کشورهای مسلمان وجود ندارد. علاوه بر این، او زمینه‌های مختلف برای کسب قدرت را در همه موارد می‌داند: «تلاش بی‌وقفه در کسب موفقیت‌های بین‌المللی، ثابت قدمی و استمرار در کارهای مثبت و ارزشمند، مولد بودن، کسب درآمد و دانش آموزی باید از دستاوردهای روزمره مسلمانان باشد، زیرا خداوند وعده می‌دهد که بندگان نیکوکار من زمین را وارث و متصرف خواهند شد» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۱۷۹).

ماهاتیر لازمه قدرتمندشدن را تعامل با جهان می‌داند. هیچ کشوری نمی‌تواند در انزوا و به دور از دیگر کشورها به حیات خود ادامه دهد. برای حفظ دین و جلوگیری از فرار مغزها باید قدرتمند شد. او می‌نویسد: «در عصر جدید هیچ کشوری نمی‌تواند تحت تأثیر و نفوذ کشورهای دیگر نباشد. آنکه قدرتمند است، اثرگذارتر و آنان که ضعیف‌ترند، اثرپذیرتر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

می–باشند. آنکه اهرم اقتصادی، صنعتی، تجاری، اقتصادی، سیاسی و وسائل ارتباط جمعی را در دست دارد، صدایش رساتر، سلطه‌گر و دیکته‌کننده است. در چنین شرایطی حفظ دین آسان نیست. جاذبه‌های علمی، صنعتی و تجاری حتی دینداران را جذب می‌کند. جوامعی که از قدرت اقتصادی و علمی بالایی برخوردار نباشند، دینداران خودشان را نیز نمی‌توانند حفظ کنند. حتی در سرزمین وحی و مکه مکرمه، می‌توان آثار فعالیت‌ها و نفوذ دنیای غرب را مشاهده کرد. وسایل ارتباط جمعی و مخابراتی، هتل‌های ساخته شده، حفر تونل‌ها، ساختن پل‌ها و جاده‌ها، کالاهای عمومی، حتی تسبیح، قبله‌نما و سجاده، ساخت غرب هستند. حجاج بیشتر توجه‌شان مصروف خرید کالاهای غربی است تا عبادت» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۲۷۱–۲۷۰).

پس برای تأثیرگذاری بر دیگران و حفظ دینداری باید قدرتمند شد و لااقل سرزمین وحی و مظاهر دینی مسلمانان را از نفوذ غرب دور کرد.

ج) اسلام و صنعتی شدن

ماهاتیر در بیان اهمیت صنعتی‌شدن، بین آن با انجام شعائر مذهبی ارتباط برقرار می‌کند. او می‌نویسد: «بدون وجود صنایع، اجرای بسیاری از مراسم مذهبی دشوار خواهد بود. در ارتباط با نماز وجود صنعت نساجی برای پوشش مسلمانان و برای سفر به حج استفاده از هواپیما ضرورت دارد. همچنین یکی از مسئولیت‌های جامعه اسلامی آماده ساختن خود برای دفاع است. پیامبر(ص) به صنعتی که در خدمت دفاع از مسلمانان بود، اهمیت می‌دادند. وظیفه مسلمانان، اختراع ادوات دفاعی و تجهیز جامعه اسلامی به آنهاست» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۲۲٦– ۲۲۵).

د) مذهب و توسعه

ماهاتیر محمد جوامع مذهبی را به سه دسته تقسیم می‌کند و ویژگی‌های هر یک را بر می‌شمرد. از نظر او بین مذهب حداقلی غرب، مذهب متعادل شرق آسیا (عمدتاً مالزی) و مذهب افراطی در برخی جوامع عقب‌ماندهٔ مسلمان تمایز وجود دارد: «جوامع به سه دسته تقسیم می‌شوند: اول، جوامع غربی مسیحی که مذهب فقط به امور فردی و خصوصی منحصر شده، می‌گویند خدا مرده و تنها به توسعه اقتصادی فکر می‌کنند. آنها رو به زوال و غرق در

فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

لذت‌جویی و انواع تلاطمات روحی و جسمی هستند. جوامع گروه دوم در شرق آسیاست که موفقیت‌های اقتصادی داشته و در عین حال، ارزش‌های سنتی و مذهبی خود را نیز حفظ کرده‌اند و مردم در امور دینی متعصب نیستند. در گروه سوم برخی از جوامع اسلامی به دلیل اختلافات قومی و مذهبی از تعالیم اصلی اسلام دور شده و ضعیف و ناکام گردیده‌اند. این جوامع نمی‌توانند الگویی قابل پیروی برای بقیه باشند» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۱۹۲).

ماهاتیر الگوی مطلوب را نه مذهب حداقلی غربی و نه الگوی دینی جوامع عقب‌مانده، بلکه نوعی از باور دینی می‌داند که هم به دستاوردهای مدرن دست‌یافته و هم ارزش‌های سنتی و مذهبی خود را حفظ کرده است. در جایی دیگر، اذعان می‌دارد که بین علوم جدید و دین هیچ‌گونه تعارض و ناسازگاری وجود ندارد. مسلمانان باید مروج علوم جدید باشند، زیرا موجب رشد و پیشرفت آنها می‌شود: «مالایی‌ها بیم آن دارند که با تحصیل رشته‌های علمی جدید مبادا فرزندانشان از توجه به دین غافل بمانند. آنان علوم جدید را علوم غیرمذهبی و غربی می‌دانند. باید دانست که همین رشته‌های درسی غربی است که در رشد کشور مالزی بسیار مؤثر بوده‌اند» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۵۳).

ماهاتیر حتی معتقد است علوم غربی ریشه در غرب ندارند: «علم و دانشی را که اروپاییان سکولار، غربی یا دنیوی نام نهاده‌اند، از اروپا و غرب سرچشمه نگرفته است. هیچ زمینه علمی بد نیست. بستگی به بهره‌برداری ما از آن دارد» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ٦۵).

پس علوم و فنون جدید نه تنها بد نیستند، بلکه ابزار زیست بهتر انسان را فراهم می‌کنند. از نظر ماهاتیر، از دیگر دلایلی که ما را ترغیب به آموختن علوم جدید می‌کند، توصیه‌ای است که در تعالیم دینی به توجه همزمان به امور دنیوی و اخروی شده است. مسلمانانی که علم بیشتری می‌اندوزند، جایگاه بالاتری دارند: «اسلام دنیا را از آخرت جدا نمی‌داند و در کنار مسائل اعتقادی، دستوراتی را برای زندگی در دنیا و سعادت اخروی دارد، هر علمی برای بشریت مفید باشد، اسلام تشویق به یادگیری آن می‌نماید، در بین مسلمین آنان که علم بیشتری دارند، جایگاه بالاتری دارند. قرآن می‌فرماید: ای رسول بگو، آیا آنان که اهل علم و دانش‌اند با مردم نادان یکسانند؟ مسلمانانی که دانش اندوخته‌اند، علیم خوانده می‌شوند، همچنان که ابن‌سینا و غزالی را علیم می‌دانند. انسان باید در حد ظرفیت فکری خود در کسب علم بکوشد» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۷۰– ٦۹).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

به زعم ماهاتیر، عظمت آفرینش ایجاب می‌کند که به کسب علوم مختلف بپردازیم و قوانین آن را کشف و درک کنیم و این شرط تکامل انسان است: «اسلام از مسلمانان نخواسته که صرفاً به تحصیل امور معنوی بپردازند، این همه نظمی که در کائنات، کرات آسمانی و کهکشان‌ها دیده می‌شود، قوانین پیچیده‌ای که در فیزیک، شیمی، ریاضیات و دیگر جنبه‌های حیات وجود دارد، توسط خداوند عالم و علیم وضع گردیده‌اند، آگاهی به این قوانین و به‌کارگیری علوم برای رشد و تکامل انسان حیاتی است. صرفاً در یک جهت رفتن، اجتماع و اداره کشور را مختل خواهد کرد» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۷۲).

ماهاتیر اذعان می‌دارد زمانی که پیامبر اسلام(ص) توصیه به علم‌آموزی حتی در چین می‌کرد، در چین علوم اسلامی رایج نبود. بنابراین، منظور او همه علوم در شاخه‌های مختلف را شامل می‌شد: «پیامبر اسلام فرموده‌اند برای کسب علم تلاش کنید، حتی اگر در چین باشد. یعنی اگر لازم باشد باید از مدینه و عربستان آن روزی به چین که در آن زمان یک کشور غیراسلامی است با امکانات آن زمان سفر نمایند. پیامبر زمانی این مطلب را بیان کردند که اسلام به سرزمین چین نرسیده و علوم چین، علوم دینی نبودند» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۷۵-۷٤).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶

هـ) ضرورت توجه به امور دنیوی و اخروی

ماهاتیر در بخشی دیگر، صریحاً نقاط ضعف و قوت مذهب را بر می‌شمرد و آن را به میزان توجه به امور دنیوی نسبت می‌دهد و خواهان تفوق مسلمانان بر غیرمسلمانان در امور دنیوی و قدرت مادی و علمی است. او اذعان می‌دارد: «عدم توجه به مسائل دنیوی مسلمانان، ناتوانی آنها در مسائل اقتصادی، تأکید غیرمتعارف نمودن به آداب دینی تأکید بیش از حد نمودن به امور اخروی به عنوان نقطه قوت و اعتبار یک مذهب، بی‌نتیجه است. یک دین وقتی در زمین حضور دارد و شکوفا خواهد شد که از پیروان کثیر توانا و قدرتمند برخوردار باشد، نه افرادی ضعیف و ذلیل. وظیفه همه مسلمین است که در امور علمی، نظامی، مدیریت، اقتصادی و سیاسی، اجتماعی بر دیگران تفوق و برتری داشته باشند» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۱۸۹-۱۸۸).

ماهاتیر به پیامدهای منفی بینش زاهدانه اشاره می‌کند و معایب آن را بر می‌شمرد و حتی معتقد است که این نوع زندگی می‌تواند به نابودی اسلام بینجامد. او می‌نویسد: «اگر همه اعضای یک جامعه، دنیا را فراموش کنند و فقط به گوشه‌نشینی زاهدانه و عبادت بپردازند،

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

زندگی خانوادگی به وجود نخواهد آمد و نوع بشر پس از چند نسل منقرض خواهد شد. نباید به افراد زاهد و تارک دنیا بیش از حد بها بدهیم و سایرین را موظف کنیم که به خاطر زهدشان به آنها اجر و پاداش بدهند» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ٤٥-٤٤).

ماهاتیر پس از تأکید بر توجه به امور این دنیایی، رعایت تعادل در ارزش‌های معنوی و مادی را مورد بحث قرار می‌دهد. او می‌نویسد: «ارزش‌های معنوی و ارزش‌های مادی، هیچ‌کدام به تنهایی نمی‌توانند تغذیه‌کنندهٔ روح و جسم انسان باشند و خوشبختی و سعادت را به جامعه بشری ارزانی کنند. جوامع انسانی، برای اینکه بتوانند سالم، با نشاط و خلاق باشند، لازمه‌اش حفظ شرایط متعادل بین ارزش‌های معنوی و ارزش‌های مادی است». «اسلام اثباتاً برای فقر اعتبار و احترام قائل نیست، از طرفی داشتن مال و ثروت را مذموم نمی‌داند. بلکه اولویت را به میانه‌روی و اعتدال می‌دهد. اما جامعه اسلامی موظف است نابرابری‌ها را کاهش دهد و در میان مردم نیز تعادل برقرار نماید» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ٤٩-٤٦).

ماهاتیر سپس ارتباط ایمان با فقر یا بی‌ایمانی با ثروت یا بر عکس را رد می‌کند. او می‌نویسد: «تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فقر یا ثروت هیچ ارتباط و همبستگی با معنویت و مادیت ندارد. خیلی از سران صدر اسلام افراد متموّل و ثروتمندی بوده‌اند، مثلاً حضرت خدیجه اولین زن مسلمان و زوجه پیامبر(ص)، زنی تاجر و ثروتمند بود. تعدادی دیگر از ملازمین پیامبر(ص)، افراد متموّلی بودند که ثروتشان را برای تبلیغ اسلام صادقانه خرج کردند» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ٢٥٦-٢٥٥).

به این ترتیب، ماهاتیر به ارزش ثروت و ثروتمند می‌رسد و این طبقه را برای جامعه سودمند می‌داند که قدر آن را باید دانست. او در این رابطه تمثیلی می‌آورد و می‌نویسد: «یک فرد ثروتمند، مولّد و پول‌ساز به یک غاز تخم طلایی می‌ماند که روی چند تخم طلایی خوابیده است، اگر این غاز را سر ببرند، می‌توان تخم‌های طلایی او را برداشت. اما روش منطقی و سودآورتر این است که این غاز را برای تولید تخم‌های طلایی بیشتر حفظ کنیم. انسان‌هایی که حسادت دارند، به اموال دیگران طمع می‌کنند، هیچ منطقی جلودار آنها نیست» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۳۹).

در عین حال، ماهاتیر برای کاستن از فاصله فقیر و ثروتمند و سطح زندگی آنها، پیشنهادهایی ارائه می‌دهد که تقریباً همان-هایی است که در ممالک پیشرفته مورد استفاده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

قرار می‌گیرد. او اذعان می‌دارد: «در جهان امروزی و در مالزی یک حقیقت تلخ وجود دارد و آن اینکه هر جا حضور و تلاش ثروتمندان در جامعه بیشتر است، سازنده‌ترند، ایجاد کار و اشتغال می‌کنند، تولیدکننده هستند، مالیات‌های سنگین می‌پردازند. از وظایف حکومت مدبر و آگاه، برنامه‌ریزی برای کاستن فاصله زندگی فقرا و اغنیا از طریق وضع مالیات است. ثروتمندان موظفند به نسبت درآمد، مصرف، ارث و میراثی که از اقوام متوفی به آنها می‌رسد، مالیات‌های سنگینی را پرداخت کنند. دولت امکان می‌یابد تا خدمات عمومی را برای اقشار کم‌درآمد ارائه دهد. از جمله ایجاد امکانات آموزشی و پرورشی، بهداشت و درمان، خدمات شهری، توسعه راه‌ها، کمک به سالمندان و بیکاران، فرصت‌های شغلی، کمک به مساجد و مراکز مذهبی، امکانات مخابراتی، نظم و امنیت عمومی، پرداخت سوبسید و امثال اینها» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۱۵۳-۱۵۲).

و) زوال امپراطوری‌های اسلامی

ماهاتیر در مورد علت‌یابی زوال و فروپاشی امپراطوری‌های اسلامی، بر عوامل داخلی تأکید می‌کند و چون این امپراطوری‌ها به دلیل اختلافات و خشونت‌های درونی نتوانستند عظمت و بزرگی مسلمانان قرون گذشته را احیاء کنند، مورد احترام نیستند. او چنین اذعان می‌دارد: «اگر علل زوال و فروپاشی دو امپراطوری بزرگ مسلمانان در قرون گذشته را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که افول آنها نه به خاطر فشارهای خارجی، بلکه به خاطر پوسیدگی و ناهنجاری‌های داخلی بوده است. از زمان خوارج تا زمان حاضر، مسلمانان مشغول رجزخوانی علیه یکدیگر هستند. حتی خوارج، حضرت علی (ع) را کافر می‌دانستند، قشرهای خشن علیه او شوریدند. به همان نسبت که جوامع مسلمان برای دستیابی به علم و توسعه تلاش کردند، افراطی‌های مذهبی ستیزه‌جویی نمودند و بخش عظیمی از انرژی امت اسلام صرف مهار آنان گردید. این قبیل مجادلات تاکنون ادامه داشته و امروز نیز از طریق رسانه‌های الکترونیکی و اینترنت تداوم یافته و دفاع از اسلام و کشورهای مسلمان و امت در مقابل دشمنان غیرمسلمان مورد غفلت واقع شده است. امروزه هنوز در مورد قطع کردن سر مرتدها اختلاف نظر داریم، در حالی که هنوز به آن توان نرسیده‌ایم که بتوانیم مرتدها را اعدام کنیم» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ٥٥- ٥٤).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹٦

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

او در مورد نامساعد بودن شرایط در کشورهای اسلامی و مهاجرت متخصصان ابراز تأسف می‌کند و چنین می‌نویسد: «امروز شاهد پراکندگی مسلمانان هستیم. بسیاری از مسلمانان مستعد میهن و تابعیت خود را ترک کرده و در آمریکا زندگی می‌کنند. آنها هنوز مسلمانان خوبی بوده، اما همواره احساس حل شدن در جامعه غیرمسلمان دارند. بسیاری از آنها در سرزمین محل اقامت خود اقدامات خوبی انجام داده، اما در عین حال، موجب فقر در میهن خود بوده‌اند چرا که میهن اسلامی از استعدادشان محروم بوده است. اگر آنها به میهن خود بازگردند، فرصت‌هایی برای شکوفایی استعدادشان وجود ندارد. کشورهای آنان فقیرند و دستمزد کافی و تسهیلات برای کار و تحقیق و توسعه وجود ندارد. از آنها قدردانی نمی‌شود و حتی ممکن است به غیراسلامی بودن متهم شوند» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۵۹-۵۸).

پیشنهاد ماهاتیر محمد، ساختن جامعه‌ای توانمند، تکنولوژیک، تولیدکننده، پویا و باثبات است. او در این باره می‌نویسد: «اگر بتوانیم یک ملت مسلمان منطقی، توانا در مدیریت، علوم و تکنولوژی، تجارت و صنعت، سیاست، جامعه و باثبات در مذهب ایجاد نماییم، می‌توانیم پیشرفت کنیم و این جهاد ماست. مذهب اسلام، مذهبی ساده است و نسبت به مسلمانان سختگیری نمی‌کند، اما مسلمانان اصرار بر تداوم مجادلات لفظی و اختلاف‌انگیز و جنگ و کشتار یکدیگر دارند. من متأسفم که قادر به مشاهده رنسانس اسلامی در قرن بیست و یکم میلادی نیستیم. ما هنوز نسبت به صنعتی شدن توجیه نشده‌ایم، در حالی که با عصر اطلاعات مواجه هستیم» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ٦۲-٦۰).

ماهاتیر عمده‌ترین ابزارهای تقویت اسلام و امت مسلمان را چنین برمی‌شمرد: «برای ما ثبات سیاسی، دولت موفق، تسلط به علوم و تکنولوژی، ثروت مادی و توسعه از ابزار تقویت امت مسلمان محسوب می‌گردد. بنابراین، همان‌گونه که دفاع از دین و عمل به معروف و پرهیز از منکر را ارج می‌نهیم، از فقدان اخوت در میان مسلمانان و وجود خشونت و عداوت در میان ایشان نگرانیم. منازعه و کشتار همدیگر تحت نام اسلام و خدا نمی‌تواند اسلامی شمرده شود» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۱٤۸)

بنابراین، همهٔ آنچه که امروز به عنوان شاخص‌های توسعه تلقی می‌شود، توسط ماهاتیر به عنوان ابزار توانمندی معرفی می‌شود که کاملاً منطبق با تعالیم اسلامی نیز هست.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

ز) نظم و برنامه‌ریزی

ماهاتیر محمد در ارزیابی پیشرفت غربی‌ها، به آموزش، نظم و برنامه‌ریزی آنان اشاره می‌کند و این مسئله را در همهٔ امور آنان از جمله جنگ مؤثر می‌داند. به نظر او، اولین کشور آسیایی که این مسئله را به درستی دریافت، ژاپن بود. او می‌نویسد: «آثار نظم؛ آموزش‌های سیستماتیک، سازماندهی و فرمانبرداری است که در اغلب جنگ‌ها ارتش‌های غربی را با نیروی اندکشان بر بعضی از کشورهای آسیایی پیروز کرد. در حالی که در ارتش‌های آسیایی تصمیمات فردی و عدم اطاعت حاکم بود. در نتیجه کشورهایی مانند هند، مالزی، اندونزی در جنگ‌ها مغلوب ارتش‌های کوچک غربی و مستعمره می‌شدند. برای موفقیت در امور باید فکر، برنامه‌ریزی، تشکیلات و سیستم، نظم و انضباط، طراحی فردی و گروهی و سلسله مراتب داشت. اولین کشوری که در آسیا این موضوع را به درستی فهمید، ژاپن بود. آنها با هوشیاری به مطالعه نظام‌های غربی پرداختند و تدریجاً نقاط ضعف تشکیلات اداری را اصلاح نمودند. همین امر توانست از ژاپنی‌ها یک قدرت صنعتی جهانی بسازد» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۳۲۶-۳۲۳).

ماهاتیر سپس مشکلات موجود در کشورهای مسلمان را مورد اشاره قرار می‌دهد و آنها را نه به اسلام، بلکه به خود مسلمانان، فرهنگ حاکم بر این کشورها و نظام‌های سیاسی آنها نسبت می‌دهد. او می‌نویسد: «اسلام برای تمام اعمال مسلمین از تولد تا وفات، دستورات و احکام مدون و مشخصی دارد. تمامی اینها برای تفکر، برنامه‌ریزی، ایجاد تشکیلات، و برقراری نظم در تمام شئونات زندگی اجتماعی است. مشکلات میان مسلمانان یا کشورهای اسلامی، ارتباطی به اسلام ندارد، عیب از افراد، فرهنگ‌های حاکم و نظام حکومتی آنان است» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۳۳۷-۳۳۶).

ح) فساد و ضرورت مبارزه با آن

در مالزی به موازات برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه، مبارزه با فساد نیز در دستور کار قرار گرفت و مؤسسه ضدفساد به عنوان تنها سازمانی که مسئولیت بررسی و پیگیری تمام موارد مربوط به فساد اداری را بر عهده دارد، تأسیس شد (رضایی، ۱۳۸۶: ۶۰-۵۹). در عین حال، خود ماهاتیر دارای تحلیل‌هایی در این خصوص است. او معتقد است که رشوه‌خواری

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

یکی از اعمالی است که تمامی جوامع دنیا آن را بد می‌دانند و به عنوان جرم محکوم می‌کنند، زیرا ممکن است موجب سقوط دولت و ایجاد هرج و مرج گردد. رشوه‌خواری مسئول جمع‌آوری مالیات، موجب کاهش درآمد دولت می‌شود و این یعنی عدم توانایی دولت در پرداخت دستمزدهای نسبتاً خوب و عادلانه، که نتیجه آن، باز هم گرایش مأموران به رشوه‌خواری خواهد بود. از بین بردن صد درصد رشوه‌خواری غیرممکن است. اما اگر هنوز به مرحله بحرانی نرسیده باشد، می‌توان اثرات ناشی از آن را کاهش داد (ماهاتیر، ۱۳۸۳: ۱۸۱– ۱۷۸). او در مورد تعریف و مصادیق رشوه–خواری اذعان می‌دارد: «رشوه‌خواری به مفهوم دادن چیزی به شخصی است تا او با سوء استفاده از قدرت و اختیار خود، عملی را به نفعِ دهنده آن، انجام دهد. سوء استفاده از بودجه دولت هم فساد مالی است. اگر فرد مسئولی، با ساختن یک خیابان عمومی در مسیر منزل خود، از بودجه دولت به نفع خودش استفاده کند، فساد مالی است. اگر وزیری از قدرت و اختیارات خود برای گرفتن تسهیلاتی استفاده کند که به نفع او، خانواده‌اش یا طرفدارانش باشد، فساد مالی است. اگر دانشجویی با تعهد درس خواندن کمک هزینه تحصیلی بگیرد ولی از این فرصت برای رسیدن به اهداف دیگری استفاده کند، این کار نیز فساد مالی است» (همان: ۱۸۹–۱۸۸).

ماهاتیر محمد مراحلی را برای فساد مالی برمی‌شمرد و معتقد است که هر چه فساد به مراحل بحرانی و عمیق برسد، کار مبارزه با آن، دشوارتر خواهد بود: «اولین مرحله فساد، رشوه‌خواری پنهان است که بین مأموران جزء و مأموران ارشد ارتباط برقرار شده است. این موضوع ممکن است بالاترین مقامات، از جمله وزرا و سیاستمداران و حتی قضات و مجریان قانون را نیز در بر بگیرد. اگر افراد شایسته نخواهند درگیر رشوه‌خواری شوند، فلج می‌شوند چرا که کارکنان زیردست آنها از دستوراتشان پیروی نخواهند کرد. دومین مرحلهٔ رشوه‌خواری، رشوه‌خواری آشکار است که جامعه آن را به عنوان یک رویهٔ معمول پذیرفته و دیگر امری غیرقانونی محسوب نمی‌شود که مخرب‌ترین آثار را بر یک ملت خواهد گذاشت. دولت تضعیف می‌شود، درآمدهای عمومی از دست می‌رود و پرداخت حقوق و دستمزد کافی و ارائهٔ خدمات اجتماعی مثل آموزش، بهداشت، و خدمات عمومی ناممکن است. پیشرفت مملکت غیرممکن می‌شود، شکاف بین فقرا و ثروتمندان نیز بیشتر می‌گردد، عدالت مفهوم خود را از دست می‌دهد و اکثریت مردم دچار یأس و ناامیدی می‌شوند» (همان: ۱۸۳–۱۸۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

ماهاتیر رواج رشوه را مغایر رفاه و منافع عمومی، رونق کسب و کار، و سلامت زندگی اقشار مختلف می‌داند و معتقد است: «در کشور مرفه، ثروت به سهولت به دست می‌آید، چرا که مصرف‌کنندگان استطاعت خرید کالاها را دارند. اما وقتی اقتصاد یک کشور (به واسطه رشوه‌خواری) سقوط کند، مصرف‌کنندگان درآمد کمتری خواهند داشت و کسب و کار و تجارت با رکود مواجه می‌شود. در کشوری که رشوه‌خواری متداول و علنی است، اکثر کارمندان اداری، حتی آنهایی که انواع رشوه‌ها را دریافت می‌کنند، از زندگی خوبی برخوردار نیستند» (همان: ۱۸٤).

ماهاتیر محمد معتقد است اگر رشوه‌خواری به مراحل بحرانی و همه‌گیر برسد، مبارزه با آن بسیار دشوار خواهد بود و عملاً ریشه کن کردن آن غیرممکن است. به عقیده او: «وقتی کار به مراحل بحرانی برسد دیگر امیدی به اصلاح آن وجود ندارد. بیماری رشوه‌خواری به افراد جدیدی که قدرت را به دست گرفته‌اند، سرایت خواهد کرد. مکرراً اعلام می‌شود که رشوه‌خواری باید از بین برود. اما همچنان ادامه می‌یابد. زیرا دیگر جرم محسوب نمی‌شود و برای جامعه به صورت «شیوه زندگی» درآمده است. دلیل اینکه دیگران این عمل را محکوم می‌کنند، آن است که خود فرصت مناسب برای رشوه‌خواری ندارند. در این وضعیت، جامعه تنها این گزینه را دارد که امکان رشوه‌خواری را از فردی به فرد دیگر، یا از گروهی به گروه دیگر منتقل کند» (همان: ۱۸۵-۱۸٤).

ماهاتیر دلیل ناکامی در مبارزه با فساد گسترده را این می‌داند که هیچ مجموعه‌ای را نمی‌توان برای مبارزه با رشوه‌خواری به کار گرفت که خود آن مجموعه در معرض فشارهای منحرف‌کننده قرار نگیرد (همان: ۱۹۱). او یکی از مصادیق بارز فساد را عرصه انتخابات می‌داند و در نهایت، راه چاره را در این عرصه بیان می‌کند. از نظر او: «اگر جامعه‌ای می‌خواهد رشوه‌خواری را از بین ببرد، نباید در طول انتخابات، مستقیم یا غیرمستقیم به آن مبادرت ورزد. رهبرانی که تمایل به استفاده از رشوه دارند، خود با رشوه دادن تحت تأثیر قرار می‌گیرند. هر حزب یا نامزد انتخاباتی به ناچار برای شرکت در انتخابات، میلیون‌ها دلار هزینه می‌کند. زمانی بسیاری از افراد به خاطر اعتقاد به اصول حزب یا فردی خاص، حاضر بودند به طور داوطلبانه از حزب یا افراد حمایت کنند. اما امروز یک فرد فقیر نمی‌تواند نامزد انتخابات شود مگر آنکه از سوی یک حزب ثروتمند معرفی شده باشد. انتخاب یک نامزد انتخاباتی باید براساس درستکاری و کارآیی وی صورت گیرد، نه وعده‌های او مبنی بر دادن امتیاز به رأی‌دهندگان یا

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

هم‌ولایتی‌های خود» (همان: ۱۹۴-۱۹۳).

به این ترتیب، ماهاتیر ریشه‌کن کردن رشوه‌خواری را نیازمند صداقت و درستکاری می‌داند و معتقد است هرکس در جهت منافع شخصی یا منافع سیاسی حزب خود از منابع عمومی بهره‌برداری کند، مرتکب نوعی فساد شده است.

ط) سودآوری و تولید

ماهاتیر یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های اقتصادی دوره جدید را، تولید کالا و ضرورت سودآوری آن می‌داند. زیرا با رونق تولید و گسترش سود، توسعه و پیشرفت حاصل می‌شود و همه از مزایای آن برخوردار می‌شوند. او مکانیسم این امر را چنین توضیح می‌دهد: «در تمام امور تولیدی و تجاری باید سودآوری ملاک باشد. سودآوری صنایع متضمن توسعه و رشد آنها، بهبود کیفیت اجناس، متعادل‌تر شدن هزینه‌های تولید، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش قدرت صادرات کالاهای تولیدی، اخذ مالیات بیشتر توسط دولت، اداره بهتر دستگاه دولت است. اما با ملی شدن صنایع و شرکت‌های تجاری بزرگ و تخریب انگیزه‌های سودآوری، رقابت و مالکیت خصوصی، خود دولت به عنوان مالک جدید را با مسائل عدیده‌ای رو به رو خواهد ساخت، درآمدهایش کمتر و دردسرهایش بیشتر می‌گردد و بودجهٔ کافی برای امور اجتماعی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، توسعه راه‌ها، تأسیسات شهری، فعالیت‌های فرهنگی، توسعه شبکه‌های تلویزیونی و مخابراتی، هزینه‌های ارتش و سایر نیروهای انتظامی و بقیه احتیاجات ملی را نخواهد داشت» (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

ماهاتیر برای گسترش هر چه بیشتر تولید ملی، گرایش به خصوصی‌سازی و مخالفت با ملی کردن صنایع توسط دولت دارد و معتقد است که صنایع بزرگ و استراتژیک باید در دست دولت باشد. او در این خصوص می‌نویسد: «باید صنایع بزرگ تحت تملک سرمایه‌داران خارجی و داخلی با یک نوع نظارت و کنترل دولت همراه باشد، اما ملی کردن صنایع یکی از ایده‌های سوسیالیست‌ها برای بزرگ‌نمایی، ظاهرسازی، عوام‌فریبی و خودستایی است، که اغلب در کشورهای تازه استقلال-یافته و حتی در کشورهایی که هرگز مستعمره نبوده‌اند، نیز چنین کارهایی را انجام می‌دهند. اما وقتی مالزی به استقلال رسید، دولت هیچ علاقه‌ای برای ملی کردن صنایع نداشت» (همان: ۲۹۳-۲۹۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

ی) اسلام و جهانی شدن

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که ماهاتیر به آن حساسیت دارد، مسئله جهانی‌شدن است. دیدگاه ماهاتیر در این مورد کاملاً انتقادی و منفی است و آن را دستاویز و ابزار سلطه غرب بر کشورهای ضعیف و در حال توسعه می‌داند و باید کوشید تا پیامدهای منفی آن برای کشورهای در حال توسعه به حداقل برسد و از فرصت‌های آن به ویژه انقلاب ارتباطات و اطلاعات حداکثر استفاده را کرد. او در این خصوص می‌نویسد: «امروز پدیده جهانی شدن توازن جهان را به هم زده است. ما نیز باید این راه را طی کنیم، چرا که روند جهانی‌شدن مرزها را شکسته و یک واقعیت در زندگی شده است. سرعت و سهولت سفر، توسعه ارتباطات، فناوری چند رسانه‌ای و گسترش اطلاعات همه را به تعمق فرا می‌خواند. این تحول می–تواند دین ما را از بین ببرد، یا ما را به سوی افراط‌گرایی و انکار واقعیت‌ها بکشاند. باید پذیرفت که دارندگان تکنولوژی، اسلحه، ناوهای جنگی و هواپیماهای نظامی اربابان دنیا خواهند بود. امروز شاهد دو انقلاب غیرقابل انکار یعنی انقلاب فناوری و انقلاب در روابط میان ملت‌ها هستیم که هر دو از آثار جهانی شدن است. اگر فرصت را از دست دهیم، شکست و وابستگی ما رقم خواهد خورد» (ماهاتیر، ۱۳۸٦: ۱٤۳–۱٤۲).

ماهاتیر نه تنها به جامعه خود نسبت به جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات هشدار می‌دهد، بلکه کشورهای مسلمان را به حکم اینکه در زمره کشورهای ضعیف هستند، در خطر می‌بیند و معتقد است: «جهانی شدن موهبتی جدید برای کشورهای قدرتمند برای افزایش استیلای خود در سطح جهان به حساب می‌آید و با قصد تقویت این استیلا می‌خواهند مطمئن شوند که قادر به رقابت با کشورهای بزرگ شرق آسیا و حتی کشورهای ضعیف مسلمان هستند. قطعاً موازنه به نفع کشورهایی خواهد بود که سرمایه و تولید بیشتری داشته باشند و آنها مسیر بازار را هدایت خواهند کرد» (همان: ٤۰–۳۷).

ماهاتیر در ادامه، پیامدهای منفی جهانی‌شدن را برای کشورهای در حال توسعه برمی‌شمرد. او دنیای جهانی شده بی مرز را به نفع گروه‌ها و کشورهای قوی‌تر می‌داند که به وابستگی هر چه بیشتر ضعفا می‌انجامد. او می‌نویسد: «امروز صحبت از جهان بدون مرز شده و به ما گفته می‌شود جهانی شدن، کشورهای فقیر را غنی و کیفیت زندگی را بهتر می‌کند. ممکن است این طور باشد و درآمدهای بیشتری داشته باشیم، اما خدمتگزار بیگانگان خواهیم بود.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

تجارت و اقتصاد ما در انحصار آنان قرار خواهد گرفت. مدیران خارجی از رؤسای جمهوری و نخست‌وزیران ما قدرتمندتر خواهند بود و برای ما رئیس جمهور و نخست‌وزیر تعیین می‌کنند. جهانی‌شدن آرمان اروپاست و ما باید ببینیم در این فرآیند چه نقشی باید ایفا نماییم؟ تمام کشورهای مسلمان در زمرهٔکشورهای در حال توسعه و ضعیف هستند و در معادلات جهانی نقش و نفوذ تعیین کننده ندارند» (همان: ٤١).

ماهاتیر در عین حال معتقد است که روند جهانی‌شدن را می‌توان به سمت منافع خود هدایت کرد. در این راستا ابتدا باید جهانی‌شدن را به خوبی شناخت، سپس اهداف خود را تعریف و دنبال کرد. او می‌نویسد: «ما می‌توانیم روند جهانی شدن را در مسیر منافع خود هدایت کنیم، لذا اول باید کارکرد و اهداف جهانی‌شدن را درک نماییم. وقتی مالزی به دنبال بحران اقتصادی جنوب آسیا دچار شوک شد، ما بیدار شدیم و به مفهوم کارکرد نظام مالی بین‌المللی پی بردیم و فهمیدیم که چگونه غول‌های اقتصادی برای نابودی قدرت‌های کوچک‌تر متحد می‌شوند. جهانی شدن را بر اساس تأکید بر احقاق حقوق کشورهای فقیر از کشورهای قدرتمند تفسیر کنیم. با استفاده از نیروهایی از ما که در خارج هستند، با به کار گرفتن قابلیت‌های آنها می‌توانیم به جلو برویم» (همان: ٤٤-٤٢).

ماهاتیر به مسلمانان توصیه می‌کند که منازعات مذهبی را کنار بگذارند، متخصصان بومی خود را از نقاط مختلف جهان فرا خوانند و برای مهار جهانی شدن تلاش کنند: «ما هنوز هم به منازعات مذهبی و سیاسی سرگرم هستیم. بسیاری از مسلمانان مجرب و دانشمند در کشورهای آتلانتیک شمالی مقیم هستند. در حالی که دیگران متحدند، ما یک توده متلاشی شده هستیم و جهانی شدن نیز درصدد تقویت تفرقه ماست. جهانی‌شدن تهدیدی علیه مذهب ماست و نباید ناراحتی خود را با خشونت ابراز کنیم. در عصر اطلاعات قدرت حرف اول را می‌زند. باید ظرفیت‌های حضور در صحنه‌های تحول و توسعه را فراهم کنیم. جهانی‌شدن می‌تواند یک ابزار مؤثر برای توسعه کشورهای اسلامی باشد» (همان: ٤٤- ٤٣).

ک) آزادی و دموکراسی

آزادی در نظر ماهاتیر در حمایت مردم از وی خلاصه می‌شود. او معتقد است آسیا و مالزی حق دارند تا زمانی که از پشتیبانی مردم برخوردارند، راه خود را بروند. اگر طرفداران

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

دموکراسی و حقوق بشر به آنچه تبلیغ می‌کنند، باور دارند، در این صورت غیردموکراتیک خواهد بود که برای پذیرش نظام یا سیاستی که به آن باور دارند، از قدرت، از جمله فشارهای اقتصادی بر کشورهای دیگر استفاده کنند. به نظر ماهاتیر، در حالی که در اروپا و آمریکا چیزهای خوبی برای پیروی و تقلید کردن وجود دارد، باید کشورهای شرق برای تصمیم‌گیری در مورد آنچه می‌خواهند تقلید کنند، آزادی داشته باشند. آنها باید دارویی را که تجویز می‌کنند، خود به کار بندند.

ماهاتیر بین دموکراسی و حقوق بشر تفاوت قائل است و دموکراسی را مهم‌تر از حقوق بشر می‌داند. غربی‌ها هر وقت بخواهند موافقت آسیایی‌ها را به دست آورند، از زور استفاده می‌کنند. آنها از زور استفاده می‌کنند تا حقوق بشر را نگاه دارند، ولی کار اندکی برای کاهش فقر انجام می‌دهند. در حالی که کاهش فقر در کاهش سوء استفاده از حقوق بشر مؤثر است. او این قضیه را دموکراتیک نمی‌داند (توکلی، ۱۳۸٤: ٦۲-٦۱).

ماهاتیر محمد در پاسخ به انتقادات زیادی که از وی در مورد اعمال محدودیت در مطبوعات، عدم استقلال در دادگاه‌ها و طرز برخورد وی با مخالفانش می‌شود، می‌گوید: «من مطبوعات و رسانه‌ها را مورد انتقاد قرار داده‌ام. برای من هم مهم نیست که در مورد من چه می‌گویند. آنچه مهم است آن است که مردم مالزی به من اعتماد دارند. هر بار با انتخابات رو به رو بودم، آنها به من رأی داده‌اند تا در قدرت باقی بمانم» (همان: ٦۳).

ماهاتیر اعتقاد دارد که آزادی مطبوعات در کشورش وجود دارد و دلیل آن را، وجود دو نشریه بین‌المللی می‌داند که معمولاً به طور مرتب نسبت به کنترل دولت وی بر مطبوعات انتقاد می‌کنند. همچنین در مالزی نشریاتی وجود دارند که دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهند و محکوم می‌کنند.

ل) سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

ماهاتیر محمد ضمن آنکه علاقه خاصی به ژاپن دارد و روابط خوبی با این کشور برقرار کرده است، نگاه زیرکانه‌ای به غرب دارد. او قوی‌ترین روابط تجاری را با آمریکا برقرار نموده و توانسته است روابط استواری با کشورهای اروپایی برقرار کند و موتور محرکهٔ کشورهای «آ. سه. آن.» و در بین کشورهای غیرمتعهد جهان صاحب سبک و پیشگام باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

۱. سیاست نگاه به شرق

مالزی بیش از نیم قرن سابقه استعمارزدایی دارد. به همین دلیل ماهاتیر محمد مدافع سرسخت ارزش‌های آسیایی است که لزوماً با دموکراسی غربی همسو نیستند. الگوی دلخواه ماهاتیر در توسعه، ژاپن است که از میان خاکسترهای جنگ دوم جهانی سر برآورد و شکوفا شد. سیاست نگاه به شرق ماهاتیر، مالزی را وا می‌داشت که از نمونه اخلاق و مهارت ژاپنی‌ها بیاموزد و الهام بگیرد. در فوریه سال ۱۹۸۲م، در نخستین ماه‌های روی کارآمدنش، سیاست نگاه به شرق خود را اعلام داشت. او گفت ما مدت زمان طولانی به غرب چشم دوختیم، اما غرب دیگر الگویی مناسب و پیشرو نیست. ژاپن با وجود آنکه پیشرفته شده، ولی همچنان پویایی در حال توسعه بودن خود را حفظ کرده است. پس بهتر است این کشور الگوی مناسب توسعه برای ما باشد. همین نگاه به شرق ماهاتیر، او را مؤثرترین رهبر آسیایی برای تشکیل پیمان‌های منطقه‌ای نموده است. نقش او در پیمان‌هایی چون انجمن اقتصادی شرق آسیا (EAEC) که در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت و دیدگاه وی در اتحادیه ملت‌های آسیای جنوب شرقی (ASEAN) به اضافه سه (ژاپن، چین و کره جنوبی)، او را شاخص نموده است. تلاش او برای رسیدن به نوعی استقلال و رهایی از نفوذ استعمارگران سابق و اجتناب از قرار گرفتن در زیر هژمونی آمریکا و قدرت روز افزون آن، ماهاتیر را نماینده واقعی آسیا کرده است.

در سال‌های اخیر، دیگر ژاپن الگوی دلخواه او نیست. آنچه برای وی درک نشدنی است، جوانان ژاپنی هستند که به جای پیروی از فرهنگ ژاپنی، از غرب الگو می‌گیرند. بیشتر اوقات، وقت خود را به رقصیدن می‌گذرانند. گرچه ماهاتیر ژاپنی‌ها را دیگر الگوی دلخواه نمی‌داند، اما از سیاست نگاه به شرق خود دست نکشیده است. به نظر او، اکنون کره جنوبی ویژگی‌های لازم را برای الگو شدن در آسیا دارد. آنها بسیار میهن‌پرست، ملی‌گرا و علاقه‌مندند که کره‌ای باقی بمانند. او کره‌ای‌ها را به خاطر آنکه سخت‌کوش هستند و اخلاقیات و فرهنگ خود را پاس می‌دارند، تحسین می‌کند (توکلی، ۱۳۸٤: ۸۰– ۷۸).

۲. غرب؛ رویارویی و هماهنگی

نظر ماهاتیر در مورد غربی‌ها دوگانه است. هم آنها را به خاطر کنجکاوی سیری‌ناپذیر، ذکاوت و شجاعت مورد تمجید و هم به خاطر تعصبات خصمانه نسبت به مسلمانان، پول‌پرستی و انحرافات جنسی، مورد ایراد قرار می‌دهد (همان: ۸۱).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

۳. ضرورت همکاری کشورهای شرقی

ماهاتیر معتقد است همکاری بین ملت‌های شرقی می‌تواند توطئه‌ها و تصمیمات غربی‌ها علیه ملل شرق را خنثی و بی‌اثر سازد، اما به استثنای تولید و بازاریابی نفت، کشورهای شرقی هنوز آمادگی لازم برای همکاری مشترک را ندارند. حتی این کشورها در بازاریابی برای فروش مواد اولیه، با یکدیگر رقابت می‌کنند و به قراردادهای تجاری که بین خودشان امضاء می‌کنند، پایبند نیستند (ماهاتیر، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

۴. موضع‌گیری در قبال مسئله فلسطین

ماهاتیر محمد در قبال مسئله فلسطین موضع‌گیری صریح و قاطعی دارد. او معتقد است: «کشورهای اسلامی که بیش از یک سوم اعضای سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند، بدون هیچ کمکی نظاره‌گر تداوم گستاخی و تکبر اسرائیل در کشتار فلسطینیان بی‌گناه هستند. نه فقط مردم فلسطین، بلکه افتخار و اتحاد اسلامی نیز مورد حمله قرار گرفته است. بیت‌المقدس پایتخت سیاسی و تاریخی مردم و کشور فلسطین است. نمی‌توان قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی اسرائیل را نادیده گرفت و نمی‌توان از طرفداری آمریکا از اسرائیل غفلت کرد. می‌توانیم با یک برنامه‌ریزی صحیح در مسیر تحقق اهداف خود حرکت کنیم» (ماهاتیر، ۱۳۸۶: ۳۱- ۲۹).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

بحث و نتیجه‌گیری

ماهاتیر محمد به عنوان یک شهروند متعهد، وارد دنیای سیاست شد و در مناصب مختلف ایفای نقش کرد و به عالی‌ترین مدارج تصمیم‌گیری سیاسی رسید و تا پایان زمامداری از حمایت گسترده مردم نیز برخوردار بود. عمده‌ترین دیدگاه‌های او عبارت بودند از: تلاش برای وحدت کشورهای مسلمان، احیاء ارزش‌های آسیایی در فرآیند توسعه مالزی، تأکید بر سیاست نگاه به شرق، ایستادگی در برابر غرب‌گرایی، تعامل فعال با کشورهای جهان، مهار پیامدهای منفی جهانی شدن و به خدمت گرفتن امکانات آن، خصوصی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، ضرورت توسعه و قدرتمند شدن مسلمانان، تفسیر مدرن از دین که سازگار با علم و پیشرفت است، عدم مغایرت دین و شعایر مذهبی با صنعتی شدن، ضرورت توجه همزمان به امور دینی و دنیوی، طرد بینش زاهدانه، تأکید بر تولید، پویایی اقتصادی، نظم و برنامه‌ریزی به عنوان عامل اصلی پیشرفت و توسعه و مبارزه با فساد.

با رهبری مهاتیر محمد، مالزی یکی از باثبات‌ترین کشورهای آسیا شد. هیچ کودتا و هیچ درگیری خونینی در این کشور چند قومی رخ نداد. او در سال ۲۰۰۳م (۱۳۸۲) از پست نخست‌وزیری کنار رفت و نشان داد دیکتاتور نیست. ماهاتیر محمد اولین نخست‌وزیری بود که از میان مردم به قدرت رسید و نماد فن‌سالاران مالزیایی نوین شد. او در سیاستگذاری اقتصادی نوعی نگاه به شرق را مطرح کرد و بر این موارد تأکید می‌گذاشت: پذیرش اصول اخلاقی کار و اسلوب‌های ژاپن و کره جنوبی، اقتصاد متمایل به بازار که خصوصی‌سازی وسایل و خدمات همگانی، مخابرات و ترابری در آن نقش مهمی داشتند و همچنین افزایش داد و ستد با همسایگان آسیایی. ماهاتیر جوامع اقتدارگرای کره جنوبی و تایوان را شایسته رقابت می‌دانست. به اعتقاد او، رهبری اقتدارگرا برای مالزی در مرحله توسعه، کارآمدتر از حکومت دموکراتیک به شیوه غربی است. موفقیت این برنامه‌ها، اقتصاددانان را بر آن داشت تا پیشگویی کنند که مالزی به عنوان ببر پنجم در آیندهٔ نزدیک، کشور صنعتی شده بعدی خواهد بود که به جمع کشورهای سنگاپور، تایوان، کره جنوبی و هنگ کنگ خواهد پیوست.

شاید مهم‌ترین ویژگی شخصیتی ماهاتیر محمد که او را در میان سایر رهبران جهان به ویژه رهبران مسلمان متمایز می‌کند، تضاد آشکاری است که در شخصیت او به عنوان یک سیاستمدار نوگرای مالایی و یک غرب‌گرا از یک سو و یک معترض ضد غربی از سوی دیگر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

دیده می‌شود. او نمونه مناسبی از رهبران دوره پس از استعمار در آسیاست که در بهره‌–بردن از سرمایه‌داری، ارزش‌های آسیایی را در دستور کار خود قرار داد.

ماهاتیر محمد معتقد است مسلمانان از نظر اعتقادی به صلح و آرامش پایبند هستند و زندگی اجتماعی را در احترام به یکدیگر امکان‌پذیر می‌دانند و نه در جنگ و ستیز، از این‌رو این مسئله، خود، شرط و زمینهٔ لازم برای توسعه آنهاست. او دنیای کنونی را دنیای کشورهای قدرتمند می‌داند، هر چه کشورها قدرتمندتر باشند، اثرگذارترند. از این‌رو، توصیه می‌کند که همه کشورهای اسلامی برای قدرتمند شدن باید تلاش کنند. قدرتمند شدن نه تنها در جنبه‌های مادی، بلکه باید در ابعاد دفاعی نیز صورت پذیرد. لازمه قدرتمند شدن، تعامل با جهان است. یک جنبهٔ دیگر قدرتمند شدن، صنعتی شدن است و حتی برای توجیه ضرورت آن، بین صنعتی شدن با انجام شعائر مذهبی ارتباط برقرار می‌کند. بین علوم جدید و دین هیچ‌گونه تعارض و ناسازگاری وجود ندارد. بنابراین، مسلمانان نباید نگران تحصیل علوم جدید توسط فرزندانشان و حتی باید مروج آن باشند، زیرا موجب رشد و پیشرفت کشورهای آنها می‌شود. ماهاتیر ضمن تأکید بر توجه به امور این دنیایی، رعایت تعادل در ارزش‌های معنوی و مادی را مورد بحث قرار می‌دهد. به ارزش ثروت و ثروتمند می‌رسد و این طبقه را برای جامعه سودمند می‌داند که قدر آن را باید دانست. ماهاتیر در مورد علت‌یابی زوال و فروپاشی امپراطوری‌های اسلامی، تأکید را بر عوامل داخلی می‌گذارد. پیشنهاد او ساختن جامعه‌ای توانمند، فن‌مدار، تولیدکننده، پویا و باثبات است. بنابراین، همه آنچه که امروز به عنوان شاخص‌های توسعه تلقی می‌شود، توسط ماهاتیر به عنوان ابزار توانمندی معرفی می‌شود که کاملاً منطبق با تعالیم اسلامی نیز هست. در ارزیابی پیشرفت غربی‌ها، به آموزش، نظم و برنامه‌ریزی آنان اشاره می‌کند و این مسئله را در همه امور آنان از جمله جنگ مؤثر می‌داند. به نظر او اولین کشور آسیایی که این مسئله را به درستی دریافت، ژاپن بود.

ماهاتیر مشکلات موجود در کشورهای مسلمان را مورد اشاره قرار می‌دهد و آنها را نه به اسلام، بلکه به خود مسلمانان، فرهنگ حاکم بر این کشورها و نظام‌های سیاسی آنها نسبت می‌دهد. او یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های اقتصادی دوره جدید را در تولید کالا و ضرورت سودآوری آن می‌داند. زیرا با رونق تولید و گسترش سود، توسعه و پیشرفت حاصل می‌شود و همه از مزایای آن برخوردار می‌شوند. برای گسترش هر چه بیشتر تولید ملی باید

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

به خصوصی‌سازی و مخالفت با ملی کردن صنایع روی آورد و تنها صنایع بزرگ و راهبردی باید در دست دولت باقی بماند.

دیدگاه ماهاتیر نسبت به پدیده جهانی‌شدن کاملاً انتقادی و منفی است و آن را دستاویز و ابزار سلطه غرب بر کشورهای ضعیف و در حال توسعه می‌داند. همچنین تهدیدی برای این کشورهاست و باید کوشید تا پیامدهای منفی آن به حداقل برسد و از فرصت‌های آن حداکثر استفاده را کرد. از انقلاب ارتباطات و اطلاعات باید بهره جست. روند جهانی–شدن را می‌توان به سمت منافع خود هدایت کرد. ابتدا باید جهانی‌شدن را به خوبی شناخت، سپس اهداف خود را تعریف و دنبال کرد. مسلمانان باید منازعات مذهبی را کنار بگذارند، متخصصان بومی خود را از نقاط مختلف جهان فرا خوانند و برای مهار جهانی‌شدن تلاش کنند.

آزادی در نظر مهاتیر در حمایت مردم از وی خلاصه می‌شود. ضمن انتقاد از غرب به خاطر دخالت‌هایش در امور کشورهای آسیایی، معتقد است آسیا و مالزی حق دارند تا زمانی که از پشتیبانی مردم برخوردار هستند، راه خود را بروند. اگر طرفداران دموکراسی و حقوق بشر به آنچه تبلیغ می‌کنند، باور دارند، در این صورت غیردموکراتیک خواهد بود که برای پذیرش نظام یا سیاستی که به آن باور دارند، از قدرت، از جمله فشارهای اقتصادی بر کشورهای دیگر استفاده کنند. به نظر ماهاتیر در حالی که در اروپا و آمریکا چیزهای خوبی برای پیروی و تقلید کردن وجود دارد، باید کشورهای شرق برای تصمیم‌گیری در مورد آنچه می‌خواهند تقلید کنند، آزادی داشته باشند. ماهاتیر دموکراسی را مهم‌تر از حقوق بشر می–داند. غربی‌ها از زور استفاده می‌کنند تا حقوق بشر را نگاه دارند، ولی کار اندکی برای کاهش فقر انجام می‌دهند. در حالی که کاهش فقر در کاهش سوء استفاده از حقوق بشر مؤثر است.

به طور کلی، ماهاتیر محمد تفسیری از اسلام ارائه می‌دهد که سازگار با دنیای مدرن و نیازها و ضرورت‌های کشورهای توسعه‌نیافته به ویژه جهان اسلام است. او خود تلاش می‌کند با توسعه مالزی، راه را برای چنین الگویی بگشاید.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

منابع

برازش، محمودرضا (۱۳۸۹). *مالزی و سنگاپور*. مشهد: انتشارات آفتاب هشتم.

برادران شرکاء، حمیدرضا (۱۳۸۸). *چشم‌انداز استراتژیک کشورهای مسلمان*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک- مجمع تشخیص مصلحت نظام.

برادران شرکاء، حمیدرضا؛ جعفری، آمنه؛ کاویانی‌فر، محبوبه (۱۳۸۷). *چشم‌انداز ۲۰۲۰ (گزارش پژوهش‌های اقتصادی)*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات اقتصادی.

توکلی، محمدکاظم (۱۳۸٦). *ماهاتیر محمد: معمار مالزی نوین*. تهران: هزاره ققنوس.

جعفری، عباس (۱۳۸٤). *گیتاشناسی کشورها*. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی. چاپ دوم.

حسین‌زاده، محمدعلی (بی‌تا). *تحول و توسعه در مالزی*. در سایت : www.aftab.ir

رضایی، نورالدین (۱۳۸٦). «بررسی اقدامات انجام شده برای مبارزه با فساد در مالزی». *ماهنامه بانک و اقتصاد*. شماره ۸۲.

ساعدی، علیرضا (۱۳۸۵). «مروری بر تجربه توسعه صنعتی در مالزی: راهبردهای کلان توسعه صنعتی». *روزنامه سرمایه*. شماره ۳۹٤.

شاهنده، بهزاد (۱۳۷٤). *سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی*. تهران: سمت.

شیرزادی، رضا (۱۳۹۳). *نوسازی، توسعه، جهانی شدن*. تهران: آگه.

ـــــــــ (۱۳۸۹). «دولت و توسعه سیاسی در مالزی». *فصلنامه مطالعات سیاسی*- دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر. سال سوم. شماره ۹.

فیضی، سیروس (۱۳۸۷). *سیاست خارجی توسعه‌گرا: الگوی مالزی*. در مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

کیوان، هانیا (۱۳۹۰). «سیاست یک بام و دو هوای مهاتیر محمد». *ماهنامه مناطق آزاد*. شماره ۲۱۷.

گزارش سازمان جهانی تجارت از سیاست تجاری مالزی. در سایت: www.irtp.com

مالزی در افق ۲۰۲۰(۱۳۸۵). گزارش فارسی از سند چشم‌انداز کشورهای در حال توسعه. *خبرگزاری فارس*. ۲۳ آبان.

محمد، ماهاتیر (۱۳۷۸). *در جستجوی فقر یا ملک سلیمان*. ترجمه محمد سوری. تهران: سیمین.

ـــــــــ (۱۳۸٦). *جهانی که در آن به سر می‌بریم*. ترجمه محسن پاک‌آئین. تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ دوم.

ـــــــــ (۱۳۸۸). *از هیچ به اوج*. ترجمه محمد رضا رضایی‌پور. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

ـــــــــ (۱۳۸۳). *چالش: دیدگاه‌ها و تفکرات ماهاتیر محمد درباره توسعه و تحول*. ترجمه سعید علی‌میرزایی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، فرازان.

مسائلی، محمود (۱۳۷۵). *مالزی*. *تهران*: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. چاپ دوم.

موسوی، سیدحسین (۱۳۷۸). *مالزی از دیروز تا امروز*. تهران: مسعی.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

نیزبیت، جان (۱۳۸۵). *آسیا به کجا می‌رود؟*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

Milne, R. S. and Diane K. Mauzy (1999). *Malaysian Politics Under Mahatir*. London, New York : Routledge.

Mohd Rosdi; Mohd Syakir and Mohd Shafie, Noor Husna (March 2016). "Declaration of Malaysia as an Islamic State in the Era Tun Dr Mahatir Mohamad,s Governance: Implications toward Political Economics in Islamic Ways". *Reasearch ahd Analysis Journals*. Vol.2. Issue.3.

Mohd Sani, Mohd Azizuddin (2015). *Trend in Southest Asia: Islamization Policy and Islamic Bureaucracy in Malaysia*. Iseas Publishing (Institute of Southeast Asian Studies).

Pinglee, Poh (January/February 2016). "Malaysian in 2015: A Denoucment of Sorts for the Prime Minister". *Asian Survey(University of California)*. Vol.56. No.1.

Teik, Khoo Boo (2004). *Beyond Mahatir : Malaysian Politics and Its Discontents*. London: Zed Book.

—— (2003). *Paradoxes of Mahathirism: An Intellectual Biography of Mahatir Mohamad*. 2nd ed . Kuala Lumpur. Malaysia: Oxford University Press.

Thomas M. Leonard (2006). *Encyclopedia of the Developing World*. Newyork – London: Routledge.

UNDP (2015). *Human Development Report 2015: Work for Human Development*. NewYork: United Nations Development Programme.

Yusof, Zainal Azam and Bhatha sali, Deepak.(2008). *Economic Growth and Development in Malaysia: Policy Making and Leadership*. The International Bank for Recostruction and Development/The World Bank, Commision on Growth and Development. Working Paper No. 27.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۸

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

شیرزادی، رضا (۱۳۹۶)، «اندیشهٔ توسعه‌گرا (موردکاوی اندیشه‌های ماهاتیر محمد)» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۷، ش۲، تابستان ۹۶، صص ۲۲۳-۱۹۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]